علامه سید محسن امین عاملی: نمی خواهیم کسی دست از اعتقاد خود بردارد!

مقدمه

کینه، اختلاف و القاب زشت بین اهل سنت و شیعه بلکه تمام فرقه های مسلمان در بیشتر نقاط جهان ما را بر این داشت تا مقاله «حق الیقین در وحدت مسلمانان» را بنویسیم. این مسئله منجر به ضعف و زوال بیشتر مسلمانان و ضرری آشکار در دین و دنیای آن ها شده است. در دنیا، نداشتن کلام واحد باعث شده است تا دشمن نسبت به آن ها طمع کند و در دین، رفتارشان بایکدیگر به گونه ای است که موجب خسارت در دنیا و آخرت است. رفتاری خداوند آن ها از آن برحذر داشته مانند باور کردن اباطیل انسان های مقلد و متحجری که خود را متدین می نامند، طرفداری های متعصبانه، پیروی از شیطان و بی توجهی نسبت به وظایفشان. به همین خاطر این مقاله را نوشتم تا تمام فرقه های مسلمان را به بهترین راه یعنی وحدت و محبت و کنارگذاشتن آنچه که موجب کینه و اختلاف دعوت کنم. در این مقاله از برهان های حسی و استدلال های بدیهی استفاده شده است که برای هیچ کس جای شک در صحت آن نیست. به امید برطرف شدن این اختلافات و یا کاهش آن در بین مسلمانان، از خداوند خواستارم که این مقاله را مفید و مقبول درگاهش قرار بدهد. جز با لطف خداوند توفیقی برای من نیست بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمی گردم.

هدف مقاله

در این مقاله نمی خواهیم از اهل سنت بخواهیم که شیعه شوند یا از شیعیان بخواهیم که سنی بشوند یا بعضی از اعتقادات یا روش یکی از دو فرقه را بر دیگری برتری دهیم، بلکه فقط از هر دو فرقه می خواهیم که بدانند نفرت ودشمنی نسبت به فرقه دیگر هیچ نتیجه ای جز ضرر و زیان ندارد. نزدیک شدن دو فرقه به یکدیگر، تعامل نیکو و پرهیز از بدرفتاری ها با بهترین روش امری است که هم عقل و هم دین به آن حکم می کنند.

وحدت و محبت بین مسلمانان

1- قدرت

هر انسان منصف یا بهتر بگوییم هر انسان عاقلی به وضوح می داند که وحدت و محبت از مهمترین عوامل قدرت و عزت بین مسلمانان به خصوص در دوران معاصر که دولت های وحشی غربی دهانشان را بازکرده اند و برای شکار وچپاول دولت های اسلامی و سرقت اموالشان دندان تیز کرده اند. دشمنان می خواهند که مانع از دستیابی مسلمانان به قدرت بزرگی شوند که نتیجه هوشیاری، همکاری و ایستادگی است و از ضعفی که ناشی از اختلاف، غفلت و سستی بین فرقه های مسلمان است، استفاده کنند. عقل و تجربه برای درک این مطلب کافی است که اتحاد باعث قدرت و عزت می شود و اختلاف و درگیری موجب ضعف و خواری است.

آیات زیادی در تایید این حرف وجود دارد، مانند: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»[1]

و بهترین مثال برای این قضیه داستان صلاح الدین بن ایوب هست. او هنگامی که در بستر مرگ بود چند چوب را کنار هم گذاشت و به تعدادی از اعضای خانواده اش گفت که دسته ی چوب ها را بشکنند، آن ها نتوانستند سپس گفت که هر چوب را به تنهایی بشکنید، این مرتبه آن ها تمام چوب ها را شکستند. بعد به آن ها توصیه کرد که اگر متفرق شدید دشمن نابودتان می کند هرچند که تعدادتان زیاد باشد همان طور که هر کدام ازاین چوب ها به تنهایی شکسته می شوند.

2- ازبین رفتن اختلافات دینی

از دیگر فواید وحدت از بین رفتن بسیاری از اختلافات دینی و درگیری های مذهبی است، چرا که این الفت و همبستگی موجب می شود هرکسی به حرف دیگری با توجه کامل گوش دهد و اگر حق با او بود تسلیم شود، اما با وجود نفرت و اختلاف های سنگین، پذیرش حق تلخ و ناخوشایند و بی تاثیر است. در این رابطه شاعر می گوید:

اگر از کسی متنفر شوم کلامش نیز برایم منفوراست **** و اگر صوت آوازش را هم بشنوم نمی رقصم.[2]

و شاعری دیگر می گوید:

دیدنی که از روی رضا و خوش بینی باشد همه عیب ها را می پوشاند **** همان طور که دیدنی که از روی دشمنی و عداوت است عیب ها را آشکار می کند.[3]

3- نزدیکی فرقه های مسلمان

از جمله فواید وحدت نزدیک شدن فرقه های مسلمان است. بسیاری از دشمنی هایی که یا ناشی از بعضی اشتباهات و اعتقادات بی پایه و اساس است و یا از طریق کسانی است که به دنبال بدجلوه دادن عمل دشمن خود به هر طریقی حتی به دروغ هستند. باوجود وحدت این دشمنی ها ازبین می رود. بسیاری از مردم این اعتقادات باطل را قبول کرده اند به طوری که باگذشت زمان برایشان امری مسلم شده است. اما کسانی که اهل فکر و تحقیق هستند می دانند که این اعتقادات هیچ واقعیتی ندارد.

4- پیشرفت در علوم و امور دنیوی

فایده دیگر وحدت بین مسلمانان این است که شیعه و سنی می توانند درامور دنیوی و یادگیری علوم به یکدیگر کمک کنند. درحالی که اختلاف مانع بسیاری از این منافع است. بسیار بدیهی است که انسانِ مدنی بالطبع برای امور دین و دنیایش به همنوعان خود نیازمند است.

5- جلب رحمت الهی

وحدت موجب نزول رحمت و ثواب الهی است زیرا خداوند دوستی و مهربانی بین بندگانش را دوست دارد، مانند این شعر شاعر که می گوید:

همه مخلوقات خانواده خداوند هستند و زیر سایه او هستند، محبوبترین بندگان نزدش نیکوکارترین آن ها نسبت به خانواده اش هستند.[4]

زیان های اختلاف و دشمنی بین مسلمانان

1- ضعف و خواری

برای اثبات این ضرر نیازی نیست مانند منافع دلیل خاصی بیاوریم چرا که همگی این ضعف و سستی را در بین جوامع مسلمان مشاهده می کنیم.

2- خشم خدا

اختلاف بین مسلمانان موجب خشم خداوند است زیرا دشمنی منجربه انجام کارهایی می شود که خداوند حتی در حق دشمن برای آرامش خاطر جایز نمی داند چه بسا شیطان انسان را به این کار به عنوان اطاعت خدا تشویق می کند. ضرر و زیان این قضیه کاملا روشن و مشهود است و نیازی به استدلال ندارد.

3- ناراحتی و خستگی

دشمنی ذهن انسان را خسته می کند و از انجام وظایفش بازمی دارد. وقتی انسان به دنبال ضرر رساندن به دشمنش بود چیزی جز ترس، ناراحتی، خستگی و فشار برایش باقی نمی ماند.

4- دوری از خدا

اختلاف بین فرقه ها موجب دوری از خداوند می شود زیرا قلب انسان را قسی می کند و از مهربانی و خیرخواهی نسبت به بندگان خدا می کاهد.

شمارش این فوائد و ضررها نیازمند یک جلد کتاب بزرگ است هرچند بیان این امور از بدیهیات است ولی فقط برای توجه افکار مسلمانان آن را بیان کردیم بنابراین به همین مقدار کفایت می کنیم.

بررسی امکان وقوعی وحدت

گاهی انسان های کوته فکر و اهل مشاجره خیال می کنند تحقق سخن و ادعای ما امری محال است، زیرا کینه های مسلمانان تا زمانی که نسبت به عقاید یکدیگر اشکالاتی دارند غیر ممکن است ازبین برود.

در جواب به این شخص که ذهنش به عمق و ژرفای این مسئله نمی رسد می گویم، اختلاف در بعضی از عقاید دلیل اصلی دشمنی بین مسلمانان نیست، بله این یکی از مهمترین دلایلی است که شیطان و نفس امّاره به عنوان بهانه ای برای ایجاد دشمنی و نزاع از آن استفاده می کند! دشمنی و نزاع از زیان بارترین امور برای دین و دنیای انسان است، چون مکر و حیله شیطان در اختلاف عقاید بین بیشتر مردم حتی دینداران ترویج پیدا می کند، البته اگر نگوییم که این موضوع دربین دینداران بیشتر است. شیطان از طریق دین وارد می شود و دشمنی و نزاع را با کسانی که در بعضی از عقاید با انسان اختلاف دارند

آراسته می کند و آن شخص خیال می کند که این عقیده جزء دین است. اگراین عقیده درست است پس چرا بسیاری از عقلاء ودینداران این روش را پی نمی گیرند و این مکر بینشان ترویج پیدا نمی کند؟

سپس در ادامه جواب این انسان کوته فکر می گویم که چه اتفاقی افتاده است که بین بعضی از گروه های مسلمان دشمنی و درگیری وجود دارد یا بعضی فرقه های مسلمان را به مانند فرقه های غیرمسلمانان دشمن خود می دانند و یا گاهی بدتر از آن ها می دانند. درحالی که مسلمانان هرچقدر هم که در بعضی از اعتقادات اشتباه فکر کنند اما در اصول و اساس و پایه هایی که اسلام بر آن ها بنا شده است در اشتباه نیستند مانند شهادت به یگانگی خداوند و پیامبری و رسالت حضرت محمد(صلی ا علیه و آله) و اعتراف به هرچیزی که از جانب خداوند آمده است مثل مبدا و معاد، ثواب، عقاب، نماز، روزه، حج و زکات؛ چرا این اشتراک عقایدشان هیچ دوستی، محبت و وحدتی بین آن ها ایجاد نمی کند و نفرتی که به خاطر اختلاف عقاید اندکی که در آن ها وجود دارد، با این اشتراک برابر شده است و یا حتی بیشتر است. چه شده است که مسلمانان از یکدیگر و از دشمنانشان به یک میزان متنفر هستند و حتی گاهی تنفرشان از یکدیگر بیشتر از دشمنانشان است؟ علت همه ی این رفتار ها پیروی از هوای نفس، غفلت از زیان های دشمنی و آرزوهایی پوشالی است که شیاطین جن و انس برای مسلمانان ایجاد کرده اند.

ممکن است کسی اشکال کند که این سخن با آنچه دردین خدا آمده است در تضاد است چرا که وظیفه ما دوستی و دشمنی به خاطر خداست. باید منکر دین خدا را با قلب و دست و زبان انکار کنیم. درجواب می گویم: «من از ری می گویم و تو از روم»[5]، این که ما موظفیم حب و بغضمان برای خدا باشد یعنی در این دو عمل مانند سایر اعمال رضایت خدا مدنظرمان باشد، هیچ کسی را به خاطر امور دنیوی یا خویشاوندی دوست نداشته باشیم در حالی که مستحق دشمنی است یا با هیچ کسی را به خاطر امور دنیوی دشمن نباشیم در حالی که او مطیع فرمان خداست و مستحق دوستی است. و به این معنا نیست که به اذیت و آزار مردم، دشمنی و قطع رابطه با آن ها بپردازیم.

اگر کسی عمل زشتی انجام داد باید از عملش بیزار باشیم و او را از آن نهی کنیم، نباید اورا از خود برنجانیم و با خشونت برخورد کنیم و یا خوبی مان را دریغ کنیم، بلکه باید به سمتش برویم زیرا او برادر انسانی ما و به خصوص برادر دینی ماست بنابراین باید به او که یکی از بندگان خداست رحم کنیم و با بهترین روش از روی دلسوزی و خیرخواهی، نه از روی دشمنی و تسلی خاطر از عمل زشتش منع کنیم. شایسته نیست که با سنگدلی، ناسزا، دشنام و ابراز دشمنی با او رفتار کنیم چون این رفتار، او

را بر آن عمل زشت مصمم تر می کند و همیشه منتظر است تا کار ما را تلافی کند. این رفتار زیان های بزرگ و مفاسد فراوانی را برای خودمان و دینمان و برادران دینی و انسانی مان به وجود می آورد.

در این گونه موارد باید روش دین کامل و بخشنده اسلام را به خاطر آوریم که می گوید:« برای سیراب کردن هر جگر سوزان اجری است»[6]. دین مقدس اسلام حتی در حق حیوانات بی زبان به اجازه نمی دهد که آن ها را تشنه بگذاریم چه رسد به برادران انسانی و...

بر فرض این که بپذیریم که خدای نکرده دین اسلام العیاذ با جایز دانست که انسان برادر مسلمانش را که در بعضی ازعقاید با او اختلاف دارد اذیت کند و دشمن خود بداند، یا به او دستور چنین کاری را بدهد؛ آیا از مسلّمات دین تغییر احکام هنگام تغییر موضوعات نیست؟ آیا دفع افسد به فاسد، انتخاب بد، بین بد وبدتر جزء مسلّمات نیست؟ آیا وحدت حامی و یاورمسلمانان نیست در زمانی که بر مسلمانان واجب شده است که امور پراکنده ی خودشان را سامان ببخشند و سخنشان را یکی کنند و دوری و بدگویی درون خودشان را کنار بگذارند تا از باقی مانده ی سرزمینشان و سرزمین اسلام حفاظت و حمایت کنند؟ آیا همه این ها کافی نیست تا مسلمانان دشمنی بین خودشان را حرام و وحدت را بر خود واجب بدانند؟ آیا وقت آن نرسیده است که درس عبرت بگیرند از پیروان ادیانی که دارای مذاهب مختلفی هستند اما دین واحدشان آن ها را متحد کرده است؟ چگونه تنفر و کینه ای که بین مسلمانان هست بین آن ها نیست و چگونه آن ها از اتحاد و وحدتشان سود می برند و مسلمانان در زیان اختلاف و نفرت های مذهبی شان به سر می برند؟

توصیه

وضعیت رفتار بعضی از گروه های مسلمان با دیگر گروه ها به جایی رسیده است که قلم از نوشتن آن و زبان از گفتنش عاجز است، و فقط از باب ضرورت آن را بیان می کنیم. رفتارهایی مثل تکفیر کسی که اقرار می کند به وحدانیت خداوند و نبوت و رسالت پیامبر خدا محمد (صلی ا علیه وآله) و معتقداست به این که هر آن چه پیامبر آورده حق است و هیچ یک از ضروریات دین را منکر نیست، نماز می خواند و زکات می پردازد، ماه رمضان روزه می گیرد و حج خانه خدارا به جامی آورد، و یا حرام بودن سلام و یا جواب سلام او یا حلال بودن مال و خون و ناموس او، در حالی که دین اسلام مال و خون وناموس اهل ذمه را حرام کرده است.

از آن جهت که هدف ما از این مقاله ارائه استدلال ها و یا رد و تایید سخنی نیست، بلکه فقط برای خیرخواهی و دعوت به بهترین راه است، ما به کسانی که جرئت مخالفت با حکم خدا را دارند توصیه می کنیم از این گناهان دوری کنند، زیرا این گناهان نه در قرآن و نه در روایات هیچ دلیل و برهانی ندارد؛ بلکه فقط خرافات و بافته هایی از پیش ساخته و پرداخته شده است، همچنین به همه مسلمانان توصیه می کنیم که فریب سخن امثال این اشخاص را نخورید و از این راه گمراه کننده و مهلک به دورباشید.

خاتمه

همانطور که دعوا و اختلاف و تنفر بین گروه های مسلمان مضر به دین و دنیاست، بین افراد یک گروه از مسلمانان نیز زیان آور است، واین امری است که عقل و نقل بر آن اتفاق دارند در همین راستا است روایات:«حب لاخیک ما تحب لنفسک»[7] و «المسلم اخو المسلم»[8] و «انما المومنون اخوة»[9] باید از خداوند بترسد هرکسی که با برادر مسلمانش دشمنی می کند یا تلاش می کند بین مردم فساد ایجاد کند.

حسن ختام: داروی این بیماری مزمن

بیشتر آن چه بیان شد درمورد تشخیص بیماری و بیان زیان ها و خسارت های آن بود، اما باید به دنبال شناخت داروی شفابخش این بیماری بود، تشخیص بیماری به تنهایی بدون دارو فایده ای ندارد، همان طور که تشخیص داروی بیماری بدون استفاده دارو به تنهایی موثر نیست.

داروی مفید برای ریشه کن کردن این بیماری تلاش برای تهذیب و پاکسازی نفس از رذیله های اخلاقی مانند دشمنی، کینه توزی، ناملایمتی و خشونت با مسلمانان است، و این مهم محقق نمی شود مگر با تامل در زشتی این اخلاق و صفات ناپسند و خواندن و شنیدن آیات و نتایجی که در نکوهش این رفتار بیان شده است. علاوه بر این باید مانع از فریب افراد به ظاهر متدینی شویم که مسلمانان را به اعمالی دعوت می کنند که نتیجه اش خسارت در دنیا و آخرت است. از طرفی با تلاش و جهاد بانفس متخلق به اخلاق و رفتار پسندیده با مردم شویم. خداوند متعال می فرماید:« و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا»[10] و با التوفیق.

این مقالة در عصر 25 ام ماه ربیع الاول سال 1332 قمری به قلم سید محسن الامین العاملی در شهر دمشق نوشته شد.

[1] و نزاع مکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود. انفال، 46

[2] و اذا شنأت فتی شنأت کلامه**** و إذا سمعت غناءه لم اطرب.

[3] و عین الرضا عن کل عیب کلیلة**** کما ان عین السخط تبدی المساویا

[4] الخلق کلهم عیال ا تحت ظلاله**** و احبهم طرّآ الیه ابرهم بعیاله. ظاهرا این شعر مضمون این حدیث است:« الخلق عیال ا تعالی، فاحب الخلق الی ا من نفع عیال ا او ادخل علی اهل بیت سرورا و مشی مع اخ مسلم فی حاجته: همه ی خلق خانواده خدا هستند پس محبوب ترین خلق به درگاه خدا کسی است که به عیال خدا سودی رساند یا خانواده ای را خوشحال کند و یا در پی برآوردن حاجت برادر مسلمانش باشد». بحار الانوار، ج71، ص316.

[5] اریها السهی و ترینی القمر

[6] لکل کبد حری اجرا. بحارالانوار، ج71، ص370

[7] هرآنچه برای خودت می پسندی برای برادرت بپسند. امالی، ص508

[8] مسلمان برادر مسلمان است. امالی، ص11

[9] مومنان برادر یکدیگر هستند. کافی، ج1،ص247

[10] کسانی که در اقامه دین ما مجاهده می کنند ما به سوی راه های خود هدایتشان می کنند. عنکبوت،

منبع: دعوة رائدة للوحدة الاسلامية حق اليقين فى التأليف بين المسلمين، چاپ مجله التوحيد(عربى)، ربيع الاول و ربيع الثانى 1409، ص21 تا 28

مترجم: مصطفى بهدانى